



علم سه تیغه بیگل بیگی
کرمانشاه، مأخذ: نگارندگان



بررسی تطبیقی ساختار و گونه‌شناسی تندیس‌های علم دوران صفوی، قاجار و معاصر

روح‌اله رحمانی * مهدی امرائی **

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۳۰

صفحه ۴۱ تا ۵۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

به جز مفاهیم بنیادین و نمادین علم، موضوع سیر تکامل ساختار آن از تعداد تیغه‌ها و تندیس‌ها تا هنرهای سنتی بکار رفته، از موضوعات کم‌تر پرداخته شده است. آفرینش نوع خاصی از آثار دست‌ساز با پشتوانه اعتقادی که بیشتر آن را تندیس‌ها تشکیل می‌دهند، در محدوده یک کشور استثنایی است. هدف، تعیین سیر تکامل علم در ایران، بررسی نوع و شکل تندیس‌ها و مفاهیم نمادین آن‌ها در دوران صفوی، قاجار و معاصر است. سوال‌هایی که پژوهش حاضر تلاش دارد به آن‌ها پاسخ دهد عبارت‌اند از: ۱. ساختار علم، نوع تندیس‌ها و مفاهیم نمادین آن‌ها در دوران صفوی، قاجار و معاصر شامل چه مواردی است؟ ۲. مبنای گونه‌شناسی تندیس‌ها در ادوار یادشده بر چه اساسی استوار است و چه جزئیاتی را شامل می‌شود؟ روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی است که با بررسی بیش از ۲۰۰ علم و تندیس مرتبط با آن به سرانجام رسید. از این تعداد، ۳۰، ۶۰ و ۱۱۰ نمونه به ترتیب به دوران صفوی، قاجار و معاصر تعلق دارد. نتایج اثبات کرد ساختار علم در دوره صفویه تک‌تیغه و بدنه بادامی شکل است و تنها تندیس آن سرازدهاست که ریشه در فرهنگ‌های شرقی دارد. در عهد قاجار، علم سه و پنج‌تیغه و تندیس طاووس، کبوتر، مرغ‌رخ و شیر به آن افزوده شد که پرندگان، اغلب دم‌افراشته دارند. در عصر معاصر، به‌ویژه در چهار دهه اخیر ساختار علم عریض‌تر شده و در ساختار آن از تندیس حیوانات چهارپاچرنده نیز استفاده می‌شود. گونه‌شناسی تندیس‌ها نیز بر مبنای هنرهای سنتی و فنون بکار رفته در ساخت آن‌ها و نیز کالبدظاهری، اجزاء تشکیل‌دهنده پیکره و تزئینات استوار است.

کلیدواژه‌ها

گونه‌شناسی، تندیس‌های علم، هنرهای سنتی، صفوی، قاجار، معاصر.

* کارشناسی ارشد صنایع دستی، گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

Email: amirrahmani2m@gmail.com

** استادیار، گروه صنایع دستی، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: amraei@semnan.ac.ir

مقدمه

علم سرو تبار کنونی در واقع نمونه‌های عریض و طویل شده علم‌های تک تیغه و کم اجزاء دوره صفویه است. در واقع تک تیغه‌ای بود با اجزاء ساده که در مراسم مذهبی و پیش از آن در نبرد بکار گرفته می‌شد. در واقع استحاله شکل و مفهوم از نمادهای جنگی به نمادهای مذهبی را شاهدیم که در عهد صفویه با رسمی شدن مذهب تشیع در ایران، به شکل آشکار در مراسم سوگواری امام حسین (ع) نمودار گشتند. این دوره و بعدتر عصر قاجار و در نهایت زمان معاصر (چهار دهه پایانی سده ۱۴ خورشیدی) از ادوار شاخص و قابل استناد ساخت علم در ایران است. از اجزاء اصلی آن، مجسمه‌هایی فلزی با نمادهای حیوانی است که تعبیه آن در یک ساختار بزرگ‌تر به نام علم، در جهان کم‌نظیر و استثنایی است. البته این موضوع در شهرهای شیعه‌نشین هندوستان به صورت محدودتر نیز قابل مشاهده است. این تندیس‌ها شامل حیوانات افسانه‌ای، پرندگان و چهارپایان می‌شود که به‌مرور زمان در نوع، شکل، تزئین و هنرهای بکار رفته در آن متفاوت گشته و در هر دوره، علم از ساختار خاص خود برخوردار است.

هدف مطالعه پیش‌رو تعیین سیر تکامل علم در ایران، بررسی نوع و شکل تندیس‌ها و مفاهیم آن‌ها در دوره‌های صفوی، قاجار و معاصر، به‌ویژه در چهار دهه پایانی سده ۱۴ هجری خورشیدی است. به‌منظور دستیابی به این هدف پس از تعیین ساختار علم در هر دوره و مشخص کردن نوع تندیس‌ها، فنون و هنرهای سنتی که باعث ایجاد تفاوت‌های ظاهری و کالبدی در گونه‌های تندیس‌ها شده، به روش گونه شناسی مورد بررسی، مطالعه و واکاوی قرار می‌گیرد.

هنرهای تزئینی و فنی همچون مشبک‌کاری، طلاکوبی روی فولاد، چکش‌کاری، ریخته‌گری و اسید کاری به نسبت‌های گوناگون در هر دوره باعث ایجاد انواع تندیس‌های علم شده است. پژوهش پیش‌رو تلاش دارد پاسخی مناسب به این سوالها ارائه کند: ۱. ساختار علم، نوع تندیس‌ها و مفاهیم نمادین آن‌ها در دوران صفوی، قاجار و معاصر اغلب شامل چه مواردی است؟ ۲. مبنای گونه شناسی تندیس‌ها در ادوار یادشده بر چه اساسی استوار است و چه جزئیاتی را شامل شود؟ **ضرورت و اهمیت** تحقیق برای سیر تکامل علم در ایران با واکاوی در ادوار شاخص اخیر و در نهایت ارائه برآیندی از مفاهیم اعتقادی مشهور در مورد هرکدام از نمادها، لزوم پرده برداشتن از راز و رمزهای نمادینمایت آمیخته با ابهام، و فور آفرینش جنبه‌های بی‌بدیل هنری، کم‌نظیر بودن در دنیای اسلام و فقدان پژوهش جامع که هر ساله در حافظه ایرانی مسلمان شیعه، مرور می‌گردد را آشکارتر می‌سازد.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی است که با یادداشت‌برداری

و تصویربرداری از کارگاه‌های ساخت علم، آثار نکایا، مساجد، مجموعه‌های خصوصی، موزه‌های داخلی و پایگاه‌های اینترنتی موزه‌های جهان به سرانجام رسیده است. جامعه آماری این پژوهش، آثار بیش از ۳۰ هنرمند و صنعتگر دوران صفوی، قاجار و معاصر (چهار دهه پایانی سده ۱۴ هجری) را شامل می‌شود. در این میان ۲۰۰ نمونه مورد بررسی قرار گرفته که ۸۰ مورد آن را علم و ۱۲۰ مورد دیگر را تندیس‌های منفرد تشکیل می‌دهند. سهم علم‌های دوره صفوی ۳۰ نمونه، علم‌ها و تندیس‌های قاجاریه هرکدام به ترتیب ۲۰ و ۴۰ نمونه و علم‌ها و تندیس‌های عصر معاصر هرکدام به ترتیب ۸۰ و ۳۰ نمونه است که دلیل این موضوع با میزان موجود بودن آثار و نوع آن‌ها در دوران گوناگون ارتباط مستقیم دارد. در این بین در برخی موارد، دسترسی به آثار و در مواردی دیگر تصاویر آثار، نتایج حاصله را در برداشته است. روش نمونه‌گیری انتخابی (گزینشی) است و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز کیفی می‌باشد که با تحلیل و استناد به آثار قدمت دار و یا دارای ارزش هنری، صورت پذیرفته است.

پیشینه تحقیق

به‌رغم برخورداری از عناصر زیبایی‌شناختی غنی، مفاهیم ناب اعتقادی و حجم وسیعی از ساخت نمادی تاریخی-هنری در کشورمان ایران، هیچ سند مکتوب فراگیری با رویکرد تطبیقی و با موضوع ساختار علم‌های مذهبی، نوع تندیس‌ها و مسائل زیبایی‌شناختی و هنری حاکم بر آن‌ها در ادوار شاخص به رشته تحریر در نیامده است. اغلب مباحث، پیرامون مفاهیم نمادهای حیوانی و یا مشخصات علم در بخش و یا منطقه‌ای خاص است. از جمله این موارد مقاله «بررسی اجمالی علم‌ها و پرچم‌های عاشورایی و ساختار هنری و فنی آن‌ها (مطالعه موردی: علم‌های اردبیل)» نوشته رحمان‌نشا محمداردبیلی است که در دومین کنگره تفکر و پژوهش دینی ارائه شده (۱۳۹۴) و در آن نویسنده به بررسی ویژگی‌های هنری و ظاهری علم‌های منطقه اردبیل همت گماشته است. در مقاله‌ای دیگر با عنوان «حسرت باغ - تمنای مینو، در هنر انتزاعی ایران؛ با تکیه بر علم‌های عاشورایی» به نویسندگی داوود میرزایی که در نشریه کیمیای هنر منتشر شده (۱۳۹۱، شماره ۲)، موضوع اشتراک دو مفهوم نماد علم و باغ ایرانی مورد واکاوی و مذاقه قرار گرفته و نویسنده کوشیده به مقایسه این دو از منظر فلسفی بپردازد. در مقاله‌ای دیگر با عنوان «علم، تجلی هویت ملی و مذهبی ایرانیان» نوشته محمدهدی هراتی که در کتاب ماه هنر به چاپ رسیده (۱۳۸۰، شماره‌های ۳۹ و ۴۰)، نویسنده به معرفی برخی از نمادها و تندیس‌های علم از منظر اعتقادی و مفهومی، همت گماشته است. در مورد مبحث گونه شناسی نیز تلاش محققان بیشتر به بهره‌گیری از روش گونه شناسی، به‌طور مثال در طبقه‌بندی آثار



ریشه یونانی ^۵تیس یا ^۶تیس در زبان لاتین است (معماریان و طبرسا، ۱۳۹۲: ۱۰۴). اصطلاح گونه شناسی همچون دسته‌بندی، اشاره توأمان به فرایند و نتیجه نهایی دارد. به‌عنوان یک فرایند می‌توان بر اساس گفته سیمپسون^۷ چنین تعریف کرد: مطالعه نظری دسته‌بندی که شامل مبنای، اصول، رویه‌ها و قوانین می‌باشد (بیلی، ۱۳۹۲، ۱۴). گونه شناسی یا تیپولوژی در کنار اندیشه‌هایی همچون تفاوت قائل شدن میان هنرهای گوناگون، ریشه در آراء افلاطون دارد و از موضوعاتی است که در دو سده اخیر به‌ویژه در زیست‌شناسی، علوم اجتماعی، معماری و هنر به آن پرداخته شده است. گونه شناسی در کنار نوع شناسی، از رویکردهای اصلی طبقه‌بندی آثار محسوب می‌شود که برآیند این روش، به کاهش پیچیدگی خوانش اثر می‌انجامد و درک آن را برای مخاطب سهل‌تر می‌نماید.

در انسان‌شناسی و باستان‌شناسی، روش‌های گونه شناسانه بر مبنای گوناگونی و تفاوت سبک‌های ظهور یافته در دست‌ساخته‌ها، نقاشی‌ها، ساختمان‌ها، رسوم تدفین، روابط اجتماعی و ایدئولوژی‌ها بنا نهاده شده است (Norton, 1994: 89). به‌طور ویژه، در هنرهای تجسمی و صناعی، کمک به شناسایی تفاوت‌ها و شباهت‌ها را می‌توان از کارکردهای گونه شناسی قلمداد کرد که در نهایت به سهولت مقایسه و روان‌سازی سنجش زیبایی شناسانه منجر خواهد شد. در پژوهش حاضر نیز بر مبنای چهار عامل ۱. نوع هنرهای سنتی و فنون بکار رفته در آفرینش تندیس‌های هر دوره؛ اعم از مشبک‌کاری، طلاکوبی روی فولاد، چکش‌کاری، خوشنویسی، ریخته‌گری و اسید کاری ۲. کالبد ظاهری ۳. اجزاء تشکیل‌دهنده پیکره و ۴. تزئینات بکار رفته، تندیس‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

۲. تعریف علم و سیر تاریخی آن

واژه علم در اغلب فرهنگ لغت‌ها به معانی همچون درفش، بیرق، پرچم، رایت، لوا و توق تعبیر شده است. «نماد و نشان‌هایی که در دسته‌های مذهبی شیعه علم نامیده می‌شود، ریشه در درفش‌های جنگی دارد» (Canby, 2009: 237)؛ گاهی نیز این نماد حامل پیام‌های ویژه‌ای است. شاید به حضور نظامی فرمانروا دلالت دارد (Thompson & Thompson, 2004: 222). در عصر معاصر گاه واژه «توق» هم‌ردیف علم شناخته می‌شود که در فرهنگ معین نیز ذیل این واژه چنین آمده است: «علم، درفش و رایت» (۱۳۴۲: ۱۱۶۷). ساختمان توق علم واره‌ای است که یک تیغه فولادی با زبانه‌ای بلند دارد (شعاع و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۲۵). امروزه توق‌های قدیمی بسیاری در ایام محرم جامه می‌شوند که می‌توان به توق سیقن کاشان اشاره کرد (ذکاوتی قراگوزلو، ۱۳۸۰: ۳۹). بنا به مستندات مکتوب، علم در دوره آل‌بویه و در ایام

هنرهای صناعی بوده و کمتر شاهد پرداختن به موضوع گونه شناسی به‌مثابه یک نظریه و دانش بوده‌ایم. از جمله این موارد می‌توان به مقاله «گونه و گونه شناسی معماری» نوشته غلامحسین معماریان و محمدعلی طبرسا اشاره کرد که در نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران به طبع رسیده است (۱۳۹۲، شماره ۶). در این مقاله هم نویسندگان تلاش دارند به موضوع گونه و گونه شناسی در طول تاریخ معماری ایران بپردازند. همچنین مقاله «گونه شناسی آثار فلزکاری در نگارگری عصر صفوی (۱۱۳۵-۹۰۷ ق)» نوشته سمیرا سیف علی و مهدی کشاورز افشار که در فصلنامه علمی نگره (۱۴۰۰، شماره ۵۷) به چاپ رسیده و نویسندگان با استناد به نگاره‌های عهد صفوی، دسته‌بندی و تعیین نوع آثار فلزی عصر موردنظر را در دستور کار خود قرار داده‌اند. کتب نگاشته شده در حوزه گونه شناسی نیز اغلب در حیطه علوم اجتماعی، باستان‌شناسی، معماری و دیگر دانش‌ها هستند و از این‌بین نگارندگان داخلی و خارجی تنها به به‌کارگیری روش گونه شناسی در تقسیم‌بندی آثار هنرهای تجسمی و صناعی بسنده کرده‌اند. از جمله این تألیفات می‌توان به کتاب لاتین «ایده گونه شناسانه ۱» نوشته الکس دی کریگر^۱ اشاره کرد (۲۰۱۷، نشر دانشگاه کمبریج) که در آن نگارنده سعی داشته به تفاوت‌های معنایی گونه یا تایپ با اختلاف و دگرگونی در عناصر باستان‌شناسی بپردازد. همچنین می‌توان به کتاب «نوع شناسی و گونه شناسی: مقدمه‌ای بر فنون دسته‌بندی» نویسنده: کنت بی بیلی^۲ (۱۳۹۲، نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی) اشاره کرد که نگارنده در پنج فصل آن به روش‌شناسی طبقه‌بندی همت گماشته است. در بخشی از کتاب‌هایی همچون علم مقتل مصور نوشته محمدعلی قاسمی (۱۳۹۴، نشر طوبای محبت)، محرم و صفر در فرهنگ مردم ایران نوشته اصغر شجاع و همکاران (۱۳۹۳، نشر مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران)، اسرار علم کنشی نوشته خانعلی زاده طارمی (۱۳۹۱، نشر بابکان)، در مورد فلسفه وجودی علم و مفاهیم نمادها از زاویه باورهای شیعی سخن به میان آمده است. تک‌صفحه‌ای از کتاب هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران، نوشته محمدتقی احسانی (۱۳۶۸، نشر علمی و فرهنگی) نیز به تاریخچه مختصری از علم در ایران اختصاص داده شده است. در این پژوهش ضمن اشاره و جمع این موارد، هدف بر واکاوی ساختار شکل‌گیری و سیر تکامل اجزاء آن در چهار سده اخیر متمرکز گردیده و تلاش شده عناصر زیبایی‌شناختی حاکم بر تندیس‌ها از زاویه هنرهای صناعی و سنتی بکار رفته بر آن، مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱. تعریف گونه شناسی و چگونگی تحلیل تندیس‌ها

واژه گونه شناسی یا تیپولوژی^۳ در فرهنگ غربی از ریشه کلمه تایپ^۴ گرفته شده است. واژه تایپ نیز خود برگرفته از

1. Alex D. Krieger. The Typological concept 1.
2. Kenneth D. Bailey.
3. Typology
4. Type
5. Topos
6. Typos
7. Simpson, G.G (1961)

عصری صفویه است (جدول ۱). مشبک‌کاری در واقع نوعی قلمزنی است که در آن فضاهای منفی طرح مورد نظر، خارج می‌شود تا طرح اصلی به صورت پنجره پنجره یا مشبک بر سطح محصول باقی بماند (سید صدر، ۱۳۸۶: ۳۸۳). از شهرهای ساخت علم در دوره صفویه می‌توان به اصفهان اشاره کرد. در این زمینه نام‌هایی همچون «کمال‌الدین محمد نازک» و «محمد بن رضا» آثاری را خلق کرده‌اند که بیشترین تعداد آن در موزه‌ها و حراجی‌های معروف دنیا، مجموعه‌های خصوصی و تکایای سراسر ایران نگهداری می‌شوند. در واقع این آثار را می‌توان، گذشته و نیای علامت‌های امروزی دانست که به مرور و اقتضای زمان، عریض شده‌اند. علم‌های کم اجزاء دوره صفویه به خوبی پیوند انواع خطوط هنر خوشنویسی، به ویژه خط ثلث را با دیگر هنرهای سنتی این دوره مانند مشبک فلز، به نمایش می‌گذارند تا از این طریق بازتاب مفاهیم ناب اعتقادی باشند (جدول ۱).

۳-۱-۲. گونه‌شناسی تندیس و مفاهیم نمادین

۳-۱-۲-۱. اژدها: تندیس سر اژدها یا دهانه اژدر که عنصر ثابت تمام علم‌ها می‌باشد و از قدمت بیشتری نسبت به سایر اجزاء برخوردار است، از عهد صفویه به این سو به صورت قرینه یا به تعداد بیشتر بر بدنه علم مشاهده می‌شود. در کتشکول‌های^۱ صفوی نیز نماد اژدها به شکل دو سر در دو سمت آن مشاهده می‌شود (جدول ۲، تصاویر ۴ و ۵). در علم‌های این عصر، این تندیس نمادین، از منظر گونه شناسی در گونه‌های محدودی قابل شناسایی است. از بین فنون و هنرهایی مانند مشبک‌کاری، طلاکاری روی فولاد، چکش‌کاری و ریخته‌گری، اسیدکاری باعث ایجاد تفاوت‌های ظاهری، کالبدی و در نهایت تنوع در گونه‌های تندیس این دوره شده است. مشبک‌کاری، چکش‌کاری و ریخته‌گری کاربرد بیشتری دارند و می‌توان تندیس سر اژدها را در این دوره، به سه گروه اصلی تندیس‌های مشبک‌کاری شده، چکش‌کاری شده و ریخته‌گری شده تقسیم کرد. تندیس سر اژدها در علم‌های عهد صفویه از حجم کوچک و توپری برخوردارند و فک بالا و پایین آن به هم نزدیک و اغلب از فولاد مقاوم ساخته شده است (جدول ۲). هنر خوشنویسی را نیز به همراه مشبک‌کاری می‌توان در تیغه‌های علم‌های این عصر مشاهده کرد (جدول ۱).

به‌طور کلی اژدها در شرق، یک نیروی سودمند و آسمانی است و حال آنکه در غرب، وابسته به خدایان و ارواح جهان فرودین و مخرب و شریر به شمار می‌آید (کوپر، ۱۳۹۲: ۳۱). اژدها همچون نگاهبانی سخت‌گیر یا چون نماد شر و گرایش‌های شیطان است. در واقع اژدها نگهبان گنج‌های پنهان است و به این ترتیب برای دست یافتن به این گنج‌ها، اژدها دشمنی است که می‌باید بر او پیروز شد (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۸: ۱۲۳). «اژدها در ناخودآگاه ایرانیان، بیانگر

سوغ امام سوم شیعیان به صورت غیر آشکار بکار گرفته می‌شود. قدیمی‌ترین تصویر ساختار یک علم، مربوط به سده‌های پنج و شش هجری در محراب مسجدی نزدیک اصفهان است. در عهد صفویه با رسمی شدن مذهب تشیع در ایران، علم به شکل آشکار در مراسم سوگواری امام حسین (ع) پدیدار گشت. «قدیمی‌ترین علم‌های موجوداً ایران در موزه تویقایی استانبول نگهداری می‌شود. شاید این علم‌ها که نمونه‌ای از علامت و نشان قبایل مختلف ایرانی است، در عصر حکومت ترکمن‌های آق قویونلو و قراقویونلو وجود داشته و دسته‌های سیاسی از آن‌ها استفاده می‌کرده‌اند» (احسانی، ۱۳۶۸: ۲۶۶). علم یا بیرق احتمالاً برای اولین بار در زمان ایلخانان بر بالای نیزه گذاشته شد. در نیمه دوم سده هشتم هجری یک جفت اژدهای مقابل هم باحالتی روحانی، علامت ارتش سلطنتی بود و زمانی در میانه‌های سده نهم طرحی که می‌رفت برای ۲۰۰ سال آینده علم رسمی شود، عرضه گردید و آن دایره یا دایره‌ای گلابی‌شکل بود که در دو سرش دو اژدها قرار داشت (الن، ۱۳۸۱: ۱۳). علامت باشکوه، فولادین و چند پره امروز، صورت تحول یافته علم‌های چوبین گذشته است و به نظر می‌رسد در طول زمان به جریده و توغ و سپس به علامت تبدیل شده باشند (شعاع و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳۳).

۳. ویژگی علم دوران صفوی، قاجار و معاصر

۳-۱-۳. عصر صفوی

۳-۱-۳-۱. کلیات و ساختار: آنچه هنر فلزکاری دوره صفوی را از دوران دیگر متمایز می‌سازد، احیای هنر مشبک‌سازی فولاد است (ابن عباسی و مقتدائی، ۱۳۹۲: ۲۲۱). رسمی شدن مذهب شیعه، توجه به هویت ملی و رشد تصوف در نوع آثار فلزی این دوره مؤثر بود. رواج محصولات هم چون علم و کتشکول به ترتیب حاصل تفکر شیعی و تمایل به عرفان و تصوف است. در دانشنامه ایرانیکا آمده: برجسته‌ترین عنصر ظاهری علم‌های صفوی طول بیش از اندازه دسته علم است (Yarshater, 1999: 785). روش ساخت علم در این دوره اغلب کوبشی یا همان چکش‌کاری و ریخته‌گری (ریخته‌گری) بود و تزیینات از طریق مشبک‌کاری، قلمزنی، حکاکی و کوفته‌گری ایجاد می‌شد. کوفته‌گری همان طلاکوبی روی فولاد است (یاوری و عرفانی، ۱۳۹۲: ۲۶۲). این هنر در علم‌سازی و ساخت مجسمه حیوانات و پرندگان برای تزئین علم رایج شده است (افروغ، ۱۳۹۲: ۵۸). ویژگی بارز شکل ظاهری علم تک تیغه دوره صفوی، بدنه بادامی یا قطره‌ای شکل است که در برخی موارد تعداد ۱۲ نماد سر اژدها و گاه بیش‌تر بر گرداگرد بدنه تعبیه می‌شود (جدول ۱، تصاویر ۵ و ۱). ارتفاع بلند و استفاده از فلز برنج به صورت نوار لوله‌ای در حاشیه بدنه بادامی‌شکل، طلا و فولاد به همراه نوشته‌های مذهبی مشبک‌کاری شده، از دیگر ویژگی‌های علم‌های

۱. کتشکول ظرفی کوچک است که درویش‌ها و صوفی‌ها به دست می‌گیرند به عبارتی دیگر کتشکول ظرفی ساخته شده از پوست میوه‌ای شبیه نارگیل یا فلز و سفال است که درویش‌ها آن را با زنجیری به شانه می‌آویزند و معنی آن کشیدن به دوش است.

جدول ۱. ساختار متداول علم در عصر صفوی، مأخذ: نگارندگان.

<p>نوشته: الله ولی التوليق ارتفاع: ۹۵ سانتی متر مشخصات ظاهری: ۲ تندیس سر ازدها و زیانه های شمشی قدمت: قرن ۱۱ ق/۱۷ ه</p>		<p>نوشته: سوره اخلاص ارتفاع: ۳۴۹ سانتی متر مشخصات ظاهری: ۲۰۰ تندیس سر ازدها در اطراف بدنه قدمت: اوایل قرن ۱۲ ق/۱۸ م</p>		
<p>تصویر ۲- مأخذ: آلن، ۱۳۸۱: ۷۲. مجموعه پرویز تناولی</p>		<p>تصویر ۱- مأخذ: URL 1. عرضه در حراجی کریستی</p>		
<p>نوشته مذهبی ارتفاع: ۱۱۰ سانتی متر مشخصات ظاهری: بدنه قطره ای (بدامی) شکل بدنه اصلی قدمت: قرن ۱۱ ق/۱۷ ه</p>		<p>نوشته: آیاتی از سوره فتح ارتفاع: ۳۷۸ سانتی متر مشخصات ظاهری: ارتفاع بلند زیانه متصل به بدنه قدمت: اواخر قرن ۱۱ ق/۱۷ م</p>		
<p>تصویر ۴- مأخذ: URL 3. موزه نور، یاریس</p>		<p>تصویر ۳- مأخذ: URL 2. موزه دیوید، داتمارک</p>		
<p>نوشته: یا الله، یا محمد، یا علی ارتفاع: ۸۱ سانتی متر مشخصات ظاهری: ۴ تندیس سر ازدها و زیانه های شمشی قدمت: قرن ۱۰ ق/۱۶ م</p>		<p>نوشته: آیاتی از سوره فتح ارتفاع: ۱۷۲ سانتی متر مشخصات ظاهری: ۶ تندیس سر ازدها در اطراف بدنه قدمت: قرن ۱۱ ق/۱۷ م</p>		
<p>تصویر ۶- مأخذ: Thompson & Canby, 2004: 222</p>		<p>تصویر ۵- مأخذ: URL 4. عرضه در حراجی کریستی</p>		
<p>نوشته: آیات قرآن و "یا فتاح" ارتفاع: ۹۲ سانتی متر مشخصات ظاهری: ۲ تندیس سر ازدها و زیانه های شمشی قدمت: اوایل قرن ۱۱ ق/۱۷ م</p>		<p>نوشته: الله، محمد، علی فاطمه، حسن و حسین (ع) ارتفاع: ۱۲۷ سانتی متر مشخصات ظاهری: ارتفاع بلند زیانه متصل به بدنه قدمت: قرن ۱۱ ق/۱۷ م</p>		
<p>تصویر ۸- مأخذ: URL 6. عرضه در حراجی ساتنیز</p>		<p>تصویر ۷- مأخذ: URL 5. موزه بریتانیا، لندن</p>		

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ازدها و سرشیر است. همچنین علامت‌هایی مشاهده می‌شد که روی آن‌ها نام خدا و نوشته‌های مذهبی دیگر، در میان تزئینات اسلیمی نوشته شده بود (آلن، ۱۳۸۱، ۱۳). ظهور این تعداد علم و گوناگونی آن در شاهنامه شاهطهماسبی که در تبریز نگاشته و تصویرگری شده، نشان‌دهنده این است که هنرمندان این شهر از منابع تصویری در دسترس و ملموسی برخوردار بوده‌اند (Allan & Gilmour, 2000: 274). علم که در ابتدا نشان و علامتی جهت تمایز دسته‌های جنگی بود با عناوین و محتوای برخی نگاره‌های این آثار بی‌بیدل که به‌طور مستقیم با نبرد در ارتباط است، قرابت موضوعی دارد. از تعداد شش تصویر جدول شماره ۳، به‌جز تصویر شماره ۲ که در ظاهر نبرد فردی (کیخسرو علیه شید) را نشان می‌دهد، پنج نگاره هرکدام رویارویی دو سپاه را تصویر کرده‌اند که تمایز هر سپاه با علم است و نوک چندزبانه، شمشیر و ابزار رزم را تداعی می‌کند (جدول

بیداری و هوشیاری در برابر ازدهای ستم و بیداد و یادآور نبرد نیکی و بدی است» (هراتی، ۱۳۸۰: ۳۹). در علم نقش محافظ دارد و نمادی از عقوبت بدکاران است. محمدتقی احسانی در کتاب «هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران» در مورد منبع این نماد نوشته: دور این قاب آحاشیه مدور یا گلابی شکل پایین تیغه را با سرهای ازدها که از هنرهای چین و ژاپن اقتباس شده بود، می‌آراستند. (احسانی، ۱۳۶۸: ۲۶۶).

از منابع گونه شناسی آثار هنرهای صناعی ایران در یک دوره خاص، نگاره‌ها و آرایه‌های تصویری برجای مانده است. در این میان عناصر شاهنامه‌های مصور که حاصل پیوند ادبیات و نگارگری ایرانی است از این مهم مستثنی نیست. در تصاویر شاهنامه شاهطهماسبی، انواع فوق‌العاده جالبی از علم که تعداد آن‌ها به حدود ۳۰ نوع می‌رسد، رسم شده که شامل اشکالی از جمله هاله شعله‌ور، خورشید، سر

جدول ۲. نمونه تندیس‌های سر اژدها در علم و کشکول‌های عصر صفوی، مأخذ: همان.



علم سازی، توسعه زیادی یافت و روش‌های مختلفی در این هنر به کار گرفته شد (افروغ، ۱۳۹۴، ۵۸). در این دوره، به اقتضای افزایش استقبال مردمی، جمعیت دسته‌های عزاداری و سفارش‌های درباری، افزایش متعلقات و عریض شدن ساختار علم را شاهدیم و ساختار علم، اغلب سه‌تیغه و در مواردی پنج‌تیغه می‌شود. برای پُر شدن فضای خالی تیغه‌های علم‌ها، حیوانات و نمادهایی بر بدنه آن اضافه شد که هرکدام فلسفه وجودی آمیخته با مبانی اعتقادی خاص خود را دارد (جدول ۴).

۲-۲-۳. گونه شناسی تندیس‌ها و مفاهیم نمادین در عهد قاجار تندیس پرندگانی مانند طاووس و کبوتر، نماد جانور افسانه‌ای مرغ رُخ و تنها حیوان درنده علم، یعنی شیر به آن اضافه شد. از روش طلاکاری روی فولاد یا کوفته‌گری در ساخت تندیس‌های عصر قاجاریه بسیار بهره گرفته شده است. در هنر کوفته‌گری برای ساخت اشیای مختلف، ابتدا قسمت‌های مختلف طرح را روی کاغذ کشیده، سپس طرح را بر ورق فولادی منتقل می‌نمایند. در مرحله بعد ورق فولادی را در کوره می‌نهند تا به‌طور کامل سرخ شود و بعد آن را روی سندان چکش‌کاری می‌کنند تا شکل موردنظر حاصل شود (سید صدر، ۱۳۸۶: ۳۳۵). در علم‌های این دوره نوشته روی تیغه‌ها با خطوطی نظیر ثلث، حکاکی شده است و نقوش گل و گیاه، اسلیمی، هندسی و تصاویر ادبی و مانند آن نیز اغلب بر روی تندیس پرندگان مشاهده می‌شود. «تزئینات

۲، تصاویر ۱ تا ۶).

۲-۳. عصر قاجار

۱-۲-۳. کلیات و ساختار علم

گسترش به‌کارگیری علم در دوره قاجار، ارتباط مستقیمی با فراگیری مراسم سوگ امام حسین (ع) دارد. «به‌طور کلی باید گفت مجالس عزاداری در عهد قاجار به‌رغم فراز و نشیب‌های زیاد، هیچ‌گاه به‌طور کامل نفوذ خود را از دست ندادند و در مقاطع مختلف و اجتماعات اثرگذار بودند» (مهریزی، ۱۳۸۸: ۳۴۵). در تمام این دوران به‌ویژه دوره ناصری با گسترش مراسم و مناسک سوگ امام سوم شیعیان در ایران، همسو با ساخت تکیه دولت، گسترش تعزیه و ساخت ابزار و ادوات آن، ابزار و علامت‌های مراسم سوگ نیز دستخوش تغییراتی شدند و به‌طور همه‌جانبه گسترش یافتند. شاهد این موضوع، نوشته دوستعلی خان معیرالممالک در کتاب «یادداشت‌های از زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه قاجار» است که مجالس سوگواری شهر تهران در دوران ناصرالدین‌شاه را نزدیک به ۲۰۰ مورد برشمرده و از علم‌های مشهور دارالخلافه و علم معروف به «زنبورک‌خانه» یاد کرده که با پنجه‌ای بزرگ، پیشاپیش دسته سلطنتی حرکت می‌کرد.

محمدتقی احسانی نیز در کتاب «هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران» نوشته: «در دوران قاجاریه، تزئینات دیگری به علم‌های دسته اضافه شد و عزاداران مذهبی در ایام سوگواری یا بزرگداشت و تشریفات دیگر، آن‌ها را به کار می‌بردند» (احسانی، ۱۳۶۸: ۲۶۶). در این دوره

جدول ۳. نگاره‌های علم در شاهنامه شاه‌طهماسبی عصر صفوی، مأخذ: همان.

تعداد آرایه علم: ۲			تعداد آرایه علم: ۲		
تصویر ۲- بخشی از نگاره "کشته شدن شیده به دست کیخسرو". مأخذ: موزه هنرهای معاصر، ۱۳۸۴: ۲۹۹.			تصویر ۱- بخشی از نگاره "فرود اسب گورا با تیر می زند". مأخذ: موزه هنرهای معاصر، ۱۳۸۴: ۲۷۳.		
تعداد آرایه علم: ۳			تعداد آرایه علم: ۲		
تصویر ۴- بخشی از نگاره "بهرام چوبین، ساوه شاه را می کشد". مأخذ: موزه هنرهای معاصر، ۱۳۸۴: ۲۷۹.			تصویر ۳- بخشی از نگاره "نبرد چنگش با رستم". مأخذ: موزه هنرهای معاصر، ۱۳۸۴: ۲۹۱.		
تعداد آرایه علم: ۳			تعداد آرایه علم: ۴		
تصویر ۶- بخشی از نگاره "رستم و سیاوش، بلخ را تصرف می کنند". مأخذ: موزه هنرهای معاصر، ۱۳۸۴: ۲۶۳.			تصویر ۵- بخشی از نگاره "نور قباد را عصبانی می کند". منبع: موزه هنرهای معاصر، ۱۳۸۴: ۲۴۳.		

آن است. گاه خورشیدی با چهره انسان و پرتوهایی مثلثی در میانه دم طاووس نقش بسته است (جدول ۵، تصویر ۱). از مجموع عواملی همچون هنرهای سنتی و فنون بکار رفته در ساخت این تندیس، کالبد ظاهری، اجزاء تشکیل‌دهنده پیکره و تزئینات و نقوش می‌توان تندیس طاووس‌های این دوره را به دو گونه اصلی تندیس‌های دم افراشته منقوش (جدول ۵، تصویر ۱) و دم افراشته مشبک (جدول ۵، تصویر ۲) تقسیم کرد.






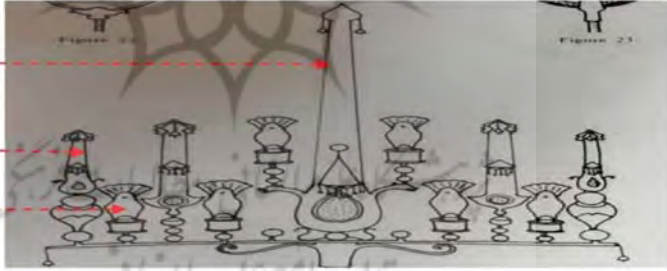
طاووس در هنر ایران به دلیل اعتقاد به نوشیدن آب حیات و یافتن عمر جاودانه به‌عنوان مرغ بهشتی مورد توجه است (خزایی، ۱۳۸۶: ۹). این نماد در دوره ساسانی همواره در کنار درخت زندگی بوده است. در علم نیز طاووس در کنار تیغه‌های علم سرو نما، معنی پیدا می‌کند. «در دوره قاجار، این مرغ بهشتی از سردر مساجد به پیشانی سجادها نقش شد و سرانجام به‌عنوان آرایه‌های فلزی به‌صورت زوج و قرینه در تنه افقی علامت دسته‌های عزاداری جای گرفت» (شعاع و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳۷). گفته

بدنه این پرندگان رسمی‌ترند و به لحاظ فنی پرکارتر و شامل انواع شیوه‌های تزئینی؛ از حکاکی تا طلاکوبی و مشبک‌کاری نیز می‌شوند» (محمدزاده و سلامی، ۱۳۹۲: ۷۰). جیمز آلن در کتاب «هنر فولادسازی در ایران»، نمود عناصر زیبایی‌شناختی فولادسازی ایران را در دو مورد حجم و تزئینات خلاصه می‌کند و در مورد تزئینات می‌نویسد: «تزئینات به‌طور خاص، بر خط نوشته، اسلیمی، اشکال هندسی و تصویر، متمرکز است» (آلن، ۱۳۸۱: ۱۵). در علم‌ها، به‌طور معمول از نقش پرندگان نمادین استفاده می‌گردد که هرکدام از یک‌سو، نماینده امری قدسی یا شخصیتی مقدس و مورد احترام در دین هستند و از سوی دیگر از مفاهیم رمزی و عرفانی برخوردار می‌باشند (میرزایی، ۱۳۹۱، ۹۶).

۳-۲-۱. تندیس طاووس

در میان تندیس پرندگان علم، طاووس بیشترین فراوانی و زیبایی را دارد. بخشی از این زیبایی مربوط به دم افراشته

جدول ۴. ساختار علم سه و پنج تیغه عصر قاجار، مأخذ: همان.

		
<p>تصویر ۲- علم سه تیغه. کاخ موزه گلستان. مأخذ: نگارندگان.</p>	<p>تصویر ۱- علم تک تیغه. موزه رضا عباسی. مأخذ: نگارندگان.</p>	
		
<p>تصویر ۵- علم سه تیغه. تکیه بیگلربیگی کرمانشاه. مأخذ: نگارندگان</p>	<p>تصویر ۴- علم سه تیغه. عرضه در حراجی. مأخذ: نگارندگان.</p>	<p>تصویر ۳- علم با نماد پنجه (دست). کاخ موزه گلستان. مأخذ: نگارندگان.</p>
		
<p>تصویر ۶- ترسیم نمونه علم پنج تیغه. مأخذ: (Yarshater, 1999: 786).</p>		

توخالی در حاشیه آن دیده می‌شود. پیکره، نقره‌کوبی شده و سر، روبرو و نوک پرندۀ باز است. در این دوره کبوتری که سر خود را به عقب چرخانده باشد کمتر مشاهده می‌شود و کل پیکره، در مجموع واقع‌گرا و توپُر است (جدول ۵، تصاویر ۳ و ۴). به‌طور کلی تندیس کبوتر در این دوره به دلیل رواج به‌کارگیری طلاکوبی روی فولاد یا کوفته‌گری به دو گونه طلاکوب و چکش‌کاری شده قابل‌تقسیم است که در هر دو گونه، به‌ویژه در گونه طلاکوب از هنر مشبک‌کاری و خوشنویسی در کل پیکره و به‌طور خاص در قسمت دُم، بهره‌گرفته شده است. در فرهنگ‌های زیادی مانند ایران، از کبوتر به‌عنوان نمادی از پیغام‌بری یادشده

مشهور در میان علامت‌سازان کنونی، انتساب این نماد به امام دوازدهم مسلمانان شیعه است. محمدعلی قاسمی در کتاب «علم، مَقْتَل مُصَوِّر» می‌نویسد: «پیامبر فرمود المهدی طاووس اهل الجنه. طاووس در علم به مهدویت و صاحب‌عزا اشاره دارد» (قاسمی، ۱۳۹۴: ۶۷).

۳-۲-۲. تندیس کبوتر

تندیس کبوترهای دوره قاجار، اغلب ایستاده و دُم افراشته دارند ولی افراستگی آن‌ها به‌اندازه طاووس نیست. در تصویر ۳ جدول ۵، دُم کبوتر مشبک‌کاری شده و عبارت «یا قائم آل محمد» در انبوه اسلیمی‌ها احاطه شده و ۹ دایره

جدول ۵. نمونه گونه‌های تندیس علم در عصر قاجار، مأخذ: همان.

تصویر ۲- طاووس با دم مشبک کاری با ترسیم خطی. مأخذ: URL13.		تصویر ۱- طاووس با نقوشی در دم به همراه ترسیم خطی. مأخذ: URL12.		
تصویر ۴- کبوتر به همراه ترسیم خطی. مأخذ: URL15.		تصویر ۳- کبوتر با دم مشبک کاری به همراه ترسیم خطی. مأخذ: URL14.		
تصویر ۶- مرغ رُخ به همراه ترسیم خطی. مأخذ: URL17.		تصویر ۵- مرغ رُخ به همراه ترسیم خطی. مأخذ: URL16.		
تصویر ۸- شیر گربه نما به همراه ترسیم خطی. مأخذ: نگارندگان.		تصویر ۷- شیر گربه نما به همراه ترسیم خطی. مأخذ: نگارندگان.		

۳-۲-۴. تندیس شیر

سرآمد تندیس‌های حیوانی چهارپا از نظر تکرار، شکوه و زیبایی شیر است. «بر محور افقی علامت، به صورت قرینه و زوج حضور دارد» (شعاع و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۶۶). کبوتر همچنین نمادی از روح است (سرلو، ۱۳۹۲: ۶۱۳).

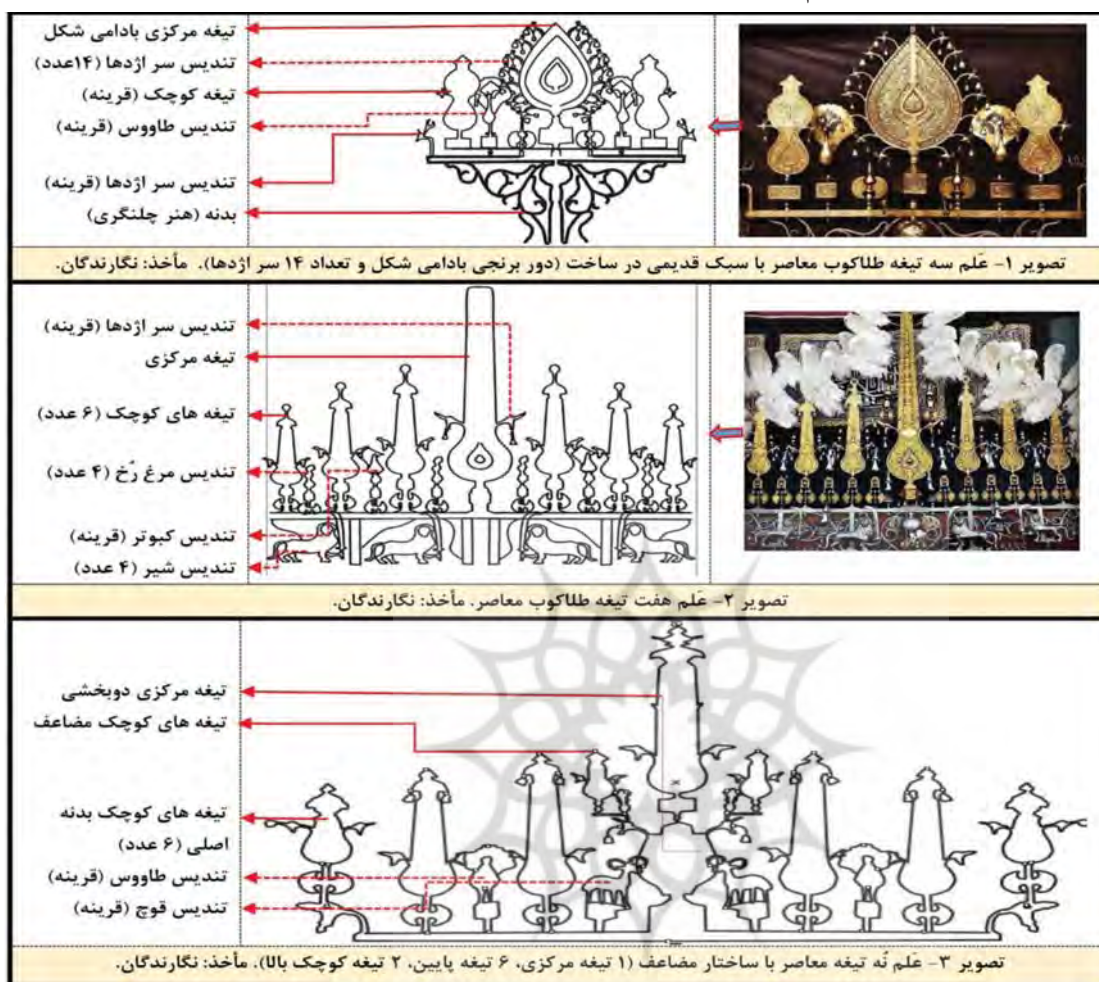
۳-۲-۳. تندیس مرغ رُخ

تندیس‌ای است فلزی با بدن پرنده، رُخ و سر انسانی که اغلب تاج دارد و در بیشتر علم‌های قاجاریه به این سو، نمادی ثابت است. در واقعی نوعی هارپی^۱ (ترکیب پرنده با سر انسان) در فلزکاری ایرانی-اسلامی است. در عهد قاجار پیکره آن نسبت به کبوتر و طاووس از آرایه‌های کمتری برخوردار است و در موزه‌های دنیا بعد از طاووس و کبوتر، از نظر فراوانی و زیبایی در مرتبه سوم قرار دارد. با توجه به میزان فراوانی گونه‌های این نوع تندیس، می‌توان آن‌ها را با معیار تزئینات بکار رفته در بدنه، به دو نوع منقوش و ساده تقسیم کرد (جدول ۵، تصاویر ۵ و ۶). حضور این رُخ در علامت‌ها را باید نمادی از ملائکه‌ای دانست که در بهشت جای دارند (میرزایی، ۱۳۹۱: ۹۷). گفته مشهور این است که مرغ رُخ همان بُراق است که در شب معراج، مرکب حضرت رسول (ص) بوده است.

۱. در اساطیر یونانی موجوداتی خیالی هستند. پرنده‌وار و شبه مؤنث که از چند ژن مختلف ساخته می‌شوند. هارپی‌ها از پائین‌تنه و دست‌ها عقاب هستند، به طوری که به جای دست، بال دارند و به جای پا، پنجه و ساق عقاب دارند و صورتشان نیمه انسان، نیمه حیوان است.

۱. در اساطیر یونانی موجوداتی خیالی هستند. پرنده‌وار و شبه مؤنث که از چند ژن مختلف ساخته می‌شوند. هارپی‌ها از پائین‌تنه و دست‌ها عقاب هستند، به طوری که به جای دست، بال دارند و به جای پا، پنجه و ساق عقاب دارند و صورتشان نیمه انسان، نیمه حیوان است.

جدول ۵. نمونه گونه‌های تندیس علم در عصر قاجار، مأخذ: همان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۳-۳. عصر معاصر

۳-۳-۱. کلیات و ساختار علم

عصر معاصر، به‌ویژه چهار دهه پایانی سده ۱۴ هجری خورشیدی، از دوره‌های شاخص علم‌سازی در ایران به شمار می‌رود که دلایل این موضوع را می‌توان در این موارد جستجو کرد: ۱. گسترش روزافزون هیئت‌های عزاداری و افزایش اقبال به نماد علم ۲. ظهور چهره‌هایی از نسل طلایی هنر فولادسازی و علامت‌سازی به‌ویژه در شهر اصفهان و در رتبه بعد تهران ۳. احیاء سبک‌های گذشته از جمله سبک صفوی (جدول ۶، تصویر ۱). ۴. به‌کارگیری بیش‌ازپیش رشته‌های گوناگون هنرهای صناعی و سنتی بر علم‌سازی دست‌ساز. تعداد تیغه‌ها نیز یک، سه، پنج، هفت، نه و بیش‌تر است و این عدد همواره فرد می‌باشد (جدول ۶).

در این دوره نماد دیگری مانند دست یا خمسه نیز مشاهده می‌شود که علاوه بر علم‌های سوگواری، در سقاخانه‌ها

نیز ظهور پیدا می‌کند. این نماد اگرچه قدمت طولانی‌تری نسبت به علم داشته و در ادیان دیگر همچون یهود نیز دیده می‌شود، ولی در علم‌نمادی از دست‌بریده حضرت ابوالفضل (ع) است. گاه تزئیناتی دارد و خط‌نوشته‌هایی با عناوین مذهبی بر روی آن نقش بسته است. در شهرهای شیعه‌نشین هند مانند حیدرآباد، این نماد به‌وفور یافت می‌شود. تفاوت علم تک تیغه‌های زمان معاصر با عهد صفوی، استفاده از نمادهای حیوانی و غیر حیوانی در کنار تیغه‌هاست (بسیاری از این موارد اکنون در مکان‌های مذهبی شهر اصفهان نیز وجود دارد). در این دوره گسترش صنعتی‌سازی تندیس‌ها و اجزاء علم، استفاده از دستگاه پرس، افزایش بی‌رویه تیغه‌ها و نمادها، علم‌هنری و دست‌ساز را تحت شعاع خود قرار داد و توجه مخاطبان را به محض شنیدن نام علم، به‌سوی خود جلب کرد. در مورد محل قرارگیری نمادهای حیوانی بر روی بدنه علم‌ها

جدول ۷. نمونه گونه‌های تندیس متعارف علم عصر معاصر، مأخذ: همان.

سر اژدها	طاووس	کبوتر	مرغ رُخ	شیر	شیر
تصویر ۱ مأخذ: نگارندگان.	تصویر ۲ مأخذ: نگارندگان.	تصویر ۳ مأخذ: نگارندگان.	تصویر ۴ مأخذ: نگارندگان.	تصویر ۵ مأخذ: نگارندگان.	تصویر ۶ مأخذ: نگارندگان.
آهو (گوزن)	شتر	قوچ	اسب	خروس	فاخته
تصویر ۷ مأخذ: نگارندگان.	تصویر ۸ مأخذ: نگارندگان.	تصویر ۹ مأخذ: نگارندگان.	تصویر ۱۰ مأخذ: نگارندگان.	تصویر ۱۱ مأخذ: نگارندگان.	تصویر ۱۲ مأخذ: نگارندگان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و نسبت به تیغه مرکزی، برخی از آن‌ها از جایگاه متداول و ثابتی برخوردارند و برخی تندیس‌ها نیز بنا به سلیقه هنرمند سازنده، مکان ثابتی ندارند. به‌طور مثال تندیس‌های شیر که گاه با شمشیری همراه است به‌طور معمول در دو طرف تیغه مرکزی و نزدیک به آن تعبیه می‌شود و اغلب نمای جانبی پیکره شیر رو به مخاطب است. تندیس‌های سر اژدها که در اصطلاح عامیانه «دهنه اژدر» خوانده می‌شوند علاوه بر تعبیه روی تیغه‌ها، در ابعاد بزرگ‌تر در دو سمت کمر بند اصلی علم و به‌عنوان محافظ جلوه‌گری می‌کنند. در برخی موارد نیز پرنندگان کوچکی مانند فاخته، کبوتر و نظایر آن روی تیغه‌هایی کوچک مضاعفی که به تیغه اصلی متصل‌اند، قرار می‌گیرند. بررسی مکان تعبیه نمادهای قدمت دار مانند طاووس، مرغ رُخ و سایر حیوانات هم بستگی به سلیقه هنرمند دارد (جدول ۶).

۲-۳-۲. گونه شناسی تندیس‌ها و مفاهیم نمادین در این دوره، تندیس چهارپایان چرنده بر علم‌ها، گسترش روزافزون یافت. از نظر فراوانی ابتدا تندیس آهو، بعد شتر و قوچ و در مواردی نیز تندیس اسب بر روی علم‌ها مشاهده می‌شود و از منظر گونه شناسی، با توجه به تنوع فراوان ظاهری در شکل و جزئیات، تمامی تندیس‌های متداول این دوره شامل انواع آهو، شتر، قوچ، خروس، فاخته، اسب، سر اژدها، مرغ رُخ، طاووس و کبوتر را می‌توان با معیار فنون ساخت، به سه گونه تندیس‌های طلاکوب، چکش‌کاری شده و صنعتی تقسیم کرد. در مجموع، ویژگی‌های ساختاری تندیس‌های این دوره را می‌توان در دو گروه تندیس‌های مختص این دوره و تندیس‌های پیشین جستجو کرد. (جدول ۷).

۲-۳-۳. الف: نمادهای حیوانی مختص دوره آهو: پیکره فلزی آهو از نظر زیبایی، ظرافت و تزئینات بی‌نظیر است. گاه شاخ منشعب، مترکم و جثه این نماد،

جدول ۸. بررسی تطبیقی ساختار و گونه‌های تندیس متعارف علم‌بوران صفوی، قاجار و معاصر. مأخذ: همان.

دوره	تعداد تیغه علم	تنوع تندیس‌ها	نوع تندیس‌های متداول	نام تندیس/تندیس‌های متداول/نمادها و مفاهیم
۱۳۰۵	۱ تیغه	۱	حیوان افسانه‌ای	ازدها ازدها: در علم نماد محافظ و عقوبت بدکاران نماد کلی: نیروی سودمند و آسمانی - نگهبان گنج‌های پنهان
۱۳۰۶	۳ و تیغه ۵	۵	حیوانات افسانه‌ای	ازدها - مرغ رُخ مرغ رُخ: در علم نماد مرکب پیامبر اسلام (ص)، نماد کلی: هارپی؛ ترکیب پرند با سر انسان، نماد هماهنگی‌های شرارت‌آمیز نیروهای کیهانی
			پرنندگان	طاووس: در علم نماد حضرت مهدی (ع)، مرغ بهشتی نماد کلی: نماد جاودانگی و روح فساد‌ناپذیر کبوتر: در علم نماد پیغام بری و آزادگی، نماد کلی: روح و معنویت
			چهارپا (درنده)	شیر: در علم نماد حضرت علی (ع) و شجاعت، نماد کلی: ایزدان و خورشید
۱۳۰۷	۳، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳ تیغه و بیشتر	حداقل ۱۱	حیوانات افسانه‌ای	ازدها - مرغ رُخ طاووس - کبوتر
			پرنندگان	خروس: در علم نماد اذان گو، نماد کلی: پرند سحرگاه، خورشید و هوشیاری فاخته: در علم نماد صدای حزن آلود، نماد کلی: بهار، بیداری طبیعت، وفاداری هدهد: در علم نماد سفیر و پیام‌بر عاشورا، نماد کلی: پیام رسان و راهنمای کمال
			چهارپایان (درنده - چرتده)	شیر آهو: در علم نماد امام رضا (ع)، نماد کلی: روح و مهار خشونت‌ها شتر: در علم نماد انتقال اسیران کربلا، نماد کلی: مرتبط با ازدها و مارهای بالدار قوچ: در علم نماد قربانی، نماد کلی: انگیزش خلاق و روح اسب: در علم نماد ذوالجناح: اسب امام حسین (ع)، نماد کلی: روان ناخودآگاه، قدرت جادویی

قوچ: این تندیس گاه هم‌ردیف آهو در علم تلقی شده و همان معانی و مفاهیم از آن متبادر می‌شود. در علم نمادی از قربانی است و مفهوم کلی آن انگیزش خلاق و روح است. از جمله تندیس‌هایی است که گاه فقط سر آن بر تیغه یا بدنه علم تعبیه می‌شود.

اسب: تندیس نادری است که نمادی از اسب امام حسین (ع) است. اغلب در حال حرکت، ایستا یا روی دو پا مشاهده می‌شود. اسب در مفهوم کلی، نمادی از قدرت جادویی و روان ناخودآگاه است (جدول ۷ تصویر ۱۰ و جدول ۸).

فاخته و هدهد: فاخته پرند کوچکی است که با صدای حزن‌آلود خود، پیام‌اندوه‌حده کربلا را ابلاغ می‌کند. در مفهوم کلی نمادی بهار و از کوچک‌ترین نمادهای حیوانی است که گاه سر خود را برگردانده و اغلب بر دو تیغه کوچک متصل به تیغه مرکزی، مشاهده می‌شود. هدهد یا شانه‌به‌سر نیز از پرنده‌های نادری است که بر علم تعبیه می‌شود. در علم نماد سفیری است که واقعه عاشورا را روایت می‌کند و مفاهیم کلی آن از راهنمایی و پیام‌رسانی حکایت دارد (جدول ۷ و ۸).

۳-۲-۳. ب: نمادهای حیوانی دوران پیشین
تندیس سر ازدها، طاووس، کبوتر، مرغ رُخ، شیر (در انواع مختلف با شمشیر یا بدون آن) که در دوران پیشین نیز سابقه

شباهت آن را به گوزن نزدیک می‌کند که از نظر نماد شناسی معنی آهو یا غزال مدنظر است. پیکره آهو اغلب در دو گونه طلاکوب و چکش‌کاری شده، مشاهده می‌شود. «این حیوان، نشانه‌ای از روح است» (سرلو، ۱۳۹۲: ۱۱۳). از آهو به‌عنوان ایرانی‌ترین نماد نام می‌برند و نشانه‌ای از عطف و مهربانی امام رضا (ع) است. (جدول ۷، تصویر ۷ و جدول ۸).

شتر: پیکره شتر از تنوع چندانی برخوردار نیست. حیوان آرامش خاصی دارد و ویژگی بارز شکل پیکره در کوهان و گردن مشاهده می‌شود و تزئینات بر پهلو و گردن نقش بسته است (جدول ۷، تصویر ۸). شتر از جهت روایات، ارتباط پیچیده‌ای با ازدها و مارهای بالدار دارد (سرلو، ۱۳۹۲: ۵۲۰). در دین اسلام شتر بسیار مورد کرامت قرار گرفته و در قرآن اسامی گوناگونی دارد. «شتر یادآور انتقال اسیران کربلاست» (شعاع و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳۸).

خروس: در دوره معاصر به‌جز طاووس و کبوتر، پرنده‌گانی نظیر خروس هم بر علم می‌نشینند. خروس که مرحوم استاد صفر فولادگر ۹ از آن به‌عنوان مرغ آتش نام می‌برد، گاه نحیف است و دُمی بلند دارد و گاه بدنی فربه و دُمی پهن و افراشته دارد (جدول ۷ تصویر ۱۱ و جدول ۸).



دوره معاصر گاه به جز شمشیر، نماد پرچم نیز دیده می‌شود. گاه در پیکره مرغ رُخ دوران اخیر، انعطاف و انحناء بیش از پیش مشاهده می‌شود (جدول ۷، تصویر ۴). در مجموع می‌توان ساختار علم‌های مذهبی ایران و گونه‌های تندیس متعارف آن را در دوران صفوی، قاجار و معاصر به عنوان دوران شاخص، در یک جدول تطبیقی ترسیم و مورد مذاقه قرار داد (جدول ۸).

تعبیه بر علم را در ایران داشتند، در این دوره نیز اغلب در گونه‌های طلاکوب، چکش کاری شده و صنعتی بر علم‌ها ظاهر می‌شوند. تندیس این حیوانات، گاه از نظر ظاهری و ساختاری تفاوت‌هایی با نمونه‌های دوران قبل دارد که این ویژگی‌ها مختص دوره معاصر یا دوران گذشته است. به طور مثال پیکره شیرهای کوچک دوره قاجار که در اصطلاح «شیرگره» خوانده می‌شد مختص همان دوره است. در دست شیرهای

نتیجه

یافته‌ها حاکی از آن است که ساختار علم، نوع تندیس‌ها و مفاهیم نمادین آن‌ها در دوران صفوی، قاجار و معاصر از تفاوت‌های بنیادینی در ماهیت و کالبد ظاهری برخوردارند. از منظر زیبایی‌شناختی، شکل و نوع هنرهای سنتی بکار رفته تندیس علم‌ها در هر دوره تفاوت‌هایی باهم دارند ولی از نظر نماد شناسی دارای مفاهیم مشترک هستند. گونه شناسی تندیس‌ها نیز در دوران صفوی، قاجار و معاصر بر مبنای چهار عامل ۱. نوع هنرهای سنتی و فنون بکار رفته در آفرینش تندیس‌های هر دوره اعم از مشبک‌کاری، طلاکوبی روی فولاد، چکش کاری، خوشنویسی، ریخته‌گری و اسید کاری ۲. کالبد ظاهری ۳. اجزاء تشکیل دهنده پیکره و ۴. تزئینات بکار رفته در تندیس‌ها استوار است. ساختار علم در دوره صفویه تک تیغه و تنها تندیس آن سر اژدهاست که به صورت قرینه و یا به تعداد زیاد بر پیرامون بدنه بادامی شکل علم مشاهده می‌شود. اژدها در علم نماد محافظ و عقوبت بدکاران است که تندیس سر این حیوان افسانه‌ای در عصر صفویه در سه گونه مشبک‌کاری شده، چکش کاری شده و ریخته‌گری مشاهده می‌شود. در عصر قاجار، علم اغلب سه و گاه پنج تیغه و تندیس پرندگانمانند طاووس، کبوتر، نماد مرغ رُخ و تندیس شیر بر آن تعبیه شده است. طاووس در علم منتسب به امام دوازدهم شیعیان است. بخشی از زیبایی تندیس طاووس به عنوان مرغی بهشتی، مدیون دم همیشه افراشته است که در دو گونه اصلی تندیس‌های دم افراشته منقوش و دم افراشته مشبک دیده می‌شود. کبوتر نمادی از پیغام بری است که تندیس آن به دو گونه طلاکوب و چکش کاری تقسیم می‌شود. تنها حیوان درنده علم، شیر است که در این دوره دیده می‌شود. شیرهای اولیه به دلیل امکانات فنی ساخت، دارای سری بی‌یال و کوپال و جثه‌ای کوچک بودند که در اصطلاح «شیرگره» خوانده می‌شوند. به طور کلی و با معیارهای ظاهری، شیر علم دوره قاجار در سه گونه شیرگره در حرکت، شیر گرته ثابت و شیر با شمشیر قابل مشاهده است. شیر در علم‌ها منتسب به حضرت علی (ع) و نماد دلاوری است. مرغ رُخ نیز به عنوان حیوان افسانه‌ای، در دوره قاجار به علم افزوده شد. این نماد تندیس فلزی با بدن پرنده، رُخ و سر انسان اغلب تاج‌دار که نشانی از مرکب حضرت رسول (ص) می‌باشد در دو نوع منقوش و ساده قابل مشاهده است. در دوران معاصر، ساختار علم عریض‌تر شده و آثاری دست‌ساز با تیغه‌هایی بیش از سه و پنج نیز ساخته شده است. ورود تندیس چهارپایان چرنده بر روی علم در این عصر است و از منظر فروانی، ابتدا تندیس آهو، بعد شتر و قوچ و در مواردی اسب بر روی علم مشاهده می‌شود. آهو، نشانه‌ای از روح است و ایرانی‌ترین نماد علم است. پیکره شتر از تنوع چندانی برخوردار نیست. حیوان آرامش خاصی دارد و تغییرات پیکره در کوهان و گردن دیده می‌شود. این نماد در علم یادآور انتقال اسیران کربلاست. در دوره معاصر شاهد احیای سبک صفوی هستیم و با ظهور تک‌چهره‌هایی در شهر اصفهان، شاهد آفرینش علم‌های کم تیغه دور برنجی هستیم. با توجه

به تنوع فراوان در شکل و جزئیات، گونه‌های تندیس این دوره را از منظر روش ساخت، می‌توان به سه گونه تندیس‌های طلاکوب، چکش‌کاری شده و صنعتی تقسیم کرد.

منابع و مأخذ

- ابن عباسی، ادریس و مقتدایی، علی اصغر. (۱۳۹۲). هنرهای دستی و سیر تحول آن در ایران، چاپ دوم. تهران: جمال هنر.
- احسانی، محمدتقی. (۱۳۶۸). هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- افروغ، محمد. (۱۳۹۴). فلزکاری دوره سلجوقی و صفوی، چاپ دوم. تهران: جمال هنر.
- آلن، جیمز. (۱۳۸۱). هنر فولادسازی در ایران، ترجمه پرویز تناولی. تهران: یساولی.
- بیلی، کنت. دی. (۱۳۹۲). نوع شناسی و گونه شناسی: مقدمه‌ای بر فنون دسته‌بندی. ترجمه سیدمحمد اعرابی، کاوه خلیلی دامغانی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خزایی، محمد. (۱۳۸۶). نقش نمادین طاووس در هنرهای تزئینی ایران. کتاب ماه هنر، ش ۱۱۱ و ۱۱۲، آذر و دی ۱۳۸۶، ۱۲-۶.
- نکاوتی قراگزلو، علیرضا. (۱۳۸۰). تأثیر تصوف بر شعائر عزاداری. کتاب ماه هنر، ش ۳۹ و ۴۰، آذر و دی ۱۳۸۰، ۱۷-۱۴.
- زمانی سعیدآبادی، معصومه و شمیلی، فرنوش. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی ریخت شناسانه تنگ‌های شیشه‌ای ایران و مصر در سده‌های ۳-۶ ق. رهپویه هنر، ش ۳، دوره ۳، پاییز ۱۳۹۹، ۳۶-۲۵.
- سرلو، خوان ادواردو. (۱۳۹۲). فرهنگ نمادها، ترجمه مهرانگیز اوحدی، چاپ دوم. تهران: دستان.
- سید صدر، سید ابوالقاسم. (۱۳۸۶). دائرةالمعارف هنرهای صنایع دستی و حرف مربوط به آن. تهران: سیمای دانش.
- شعاع، اصغر و همکاران. (۱۳۹۳). محرم و صفر در فرهنگ مردم ایران. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
- شقاقی، پژمان. (۱۳۸۴). کالبد خدایان. تهران: قصیده‌سرا.
- شوالیه، ژان و گربران، آلن. (۱۳۸۷). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- قاسمی، محمدعلی. (۱۳۹۴). علم مَقتل مصوّر، پژوهشی درباره علم و پیشینه آن. قم: طوبای محبت.
- کوپر، جی. سی. (۱۳۹۲). فرهنگ نمادهای آیینی. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: نشر علمی.
- گلاک، جی و گلاک، سوومی هیراموتو. (۱۳۵۵). سیری در صنایع دستی ایران. ترجمه یحیی ذکاء و رضا علوی. تهران: انتشارات بانک ملی.
- معماریان، غلامحسین و طبرسا، محمدعلی. (۱۳۹۲). گونه و گونه شناسی معماری. نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۶، پائیز و زمستان ۱۳۹۲، ۱۱۴-۱۰۳.
- محمدزاده، مهدی و سلاحی، گلناز. (۱۳۹۲). بررسی موضوعی آرایه‌ها و نقشمایه‌ها در اشیای فولادی عصر قاجار. جلوه هنر، ش ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ۷۶-۶۳.
- معین، محمد. (۱۳۴۲). فرهنگ فارسی، جلد اول. تهران: امیرکبیر.
- موزه هنرهای معاصر. (۱۳۸۴). شاهکارهای نگارگری ایران. تهران: انتشارات موزه هنرهای معاصر تهران.
- مهریزی، مهدی. (۱۳۸۸). نهضت عاشورا و فرهنگ عزاداری. تهران: تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- میرزایی، داود. (۱۳۹۱). حسرت باغ - تمنای مینو، در هنر انتزاعی ایران؛ با تکیه بر علم‌های عاشورایی. کیمیای هنر، ش ۲، دوره ۱، ۱۰۸-۸۷.
- وارنر، رکس. (۱۳۸۶). دانش‌نامه اساطیر جهان، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: اسطوره.



یاوری، حسین و عرفانی، فاطمه، (۱۳۹۲). هنرهای سنتی ایران در یک نگاه. تهران: انتشارات آذر.

Allan, James and Gilmour, Brian, (2000). Persian Steel: The Tanavoli Collection. For the Board of the Faculty of Oriental Studies University of Oxford and the British.

Canby, Sheila R, (2009). Shah Abbas: The Remaking of Iran .The British Museum Press, London

Norton, Peter B, (1994). The New Encyclopedia Britannica. Chicago: Encyclopedia Britannica, Inc. Volume 12.

Thompson, Jon and R. Canby, Sheila, (2004). Hunt for Paradise: Court Arts of Safavid Iran, 1501 – 1576 Published by Milan: Skira; London: Thames and Hudson.

Yarshater, Ehsan, (1999). Encyclopedia Iranica. Rutledge & kegan paul. London, Boston, Melbourne and Henley. Volume 1.



A Comparative Study of the Structure and Typology of Alam Statues of the Safavid, Qajar and Contemporary Eras*

Ruhollah Rahmani, Assistant Professor, Handicraft Group, Faculty of Applied Arts, Art University, Tehran, Iran.

Mehdi Amraei, Faculty Member of Semnan University, PhD in Comparative and Analytical History of Islamic Art from Shahed University, Semnan, Iran.

Received: 2022/06/20 Accepted: 2022/11/21



Apart from the fundamental and philosophical concepts of the Alam symbol, the subject of the evolution of its structure, from the number of blades and statues to the traditional arts used in it, has been less discussed. The creation of a special type of handicraft with the support of faith, which mostly consists of statues, is exceptional in a country. The **aim** is to determine the evolution of Alam in Iran, to examine the type and shape of statues and their symbolic concepts in the Safavid, Qajar and contemporary eras. The **questions** that the present research tries to answer are: 1- What do the structure of Alam, the type of statues and their symbolic concepts include during the Safavid, Qajar and contemporary eras? 2- What is the basis of the typology of statues in the mentioned periods based on and what details should be included? The current metal symbols that are called Alam which are used in the annual days of mourning of Imam Hossein, peace be upon him, are actually wide and elongated examples of the single-bladed Alams of the Safavid period. Before that, it was used in battle. In fact, we have seen the transformation of the form and concept from war symbols to religious symbols. This period and later the Qajar era and finally the contemporary era (the last four decades) are significant and referable periods in the construction of Alam in Iran. Among its main components are metal sculptures with animal symbols, which are embedded in a larger structure called Alam, which is rare and exceptional in the world. The **research method** is descriptive-analytical and the method of collecting library and field information, which was completed by examining more than 200 Alams and statues related to them. Of these, 30, 60, and 110 samples belong to the Safavid, Qajar, and contemporary periods, respectively. The **results** prove that the structure of Alam in the Safavid period has a single blade and an almond-shaped body, and brass metal has also been used a lot in making Alams of this period. The art of meshing and calligraphy is used a lot, and its only statue is the dragon's head, which has its roots in eastern cultures. Dragon is a symbol of protection and punishment of evildoers. In the Qajar era, Alam becomes 3 and 5 blades, the statues of peacock, dove, Morghe-Rokh and lion are added to it. Part of the beauty of the peacock statue as a bird of paradise is due



to its always raised tail. In the Alam, the peacock is attributed to the Imam Mahdi (peace be upon him), the twelfth Imam of the Shiite Muslims. The tail of the pigeon statue is sometimes decorated with religious writings and mesh work. The pigeon is a symbol of the message. Morghe-Rokh, which is a legendary animal, was added to Alam during the Qajar era. This symbol is a metal statue with the body of a bird, the face and the head of a human, often with a crown, which is a legendary symbol and a belief that is related to the ascension of Prophet Muhammad (PBUH). Its body has few arrays in the Qajar period. Birds often have raised tails and the art of gilding on steel has been used a lot. Due to the technical possibilities of manufacturing, primary lions have a small size, which is called «cat-lion». In the Alams, the lion is attributed to Imam Ali (peace be upon him) and is a symbol of bravery. In the contemporary period and especially in the last four decades, the structure of the Alam has become wider and the statue of four-legged grazing animals has been used in its construction. The number of blades is 1, 3, 5, 7, 9 and more. This era is one of the significant periods of Alam-making, the reasons for which can be found in the following cases: 1- The increasing expansion of mourning processions and the increase in favor of the symbol of Alam 2- The emergence of masterpieces of the steel and Alam making art, especially in Isfahan city and next in Tehran. 3- Revival of past styles, including Safavid style with an almond-shaped body. 4- Applying various fields of traditional arts in handicraft and artistic Alam as much as possible. In this period, we saw the expansion of the industrialization of statues. From the point of view of quantity, deer statues, then camels, rams, and sometimes horses are seen on the Alams. Deer is a sign of the soul and is the most Iranian symbol of Alam. The body of the camel is not very diverse. The typology of statues is based on the traditional arts and techniques used in them, and often includes the art of netting, gilding on steel, hammering, casting and acid work.

Keywords: Typology, Alam Statues, Traditional Arts, Safavid, Qajar, Contemporary

References: Afrough, Mohammad (1394). Metalworking of Seljuk and Safavid periods, second edition. Tehran: Jamal Honar.

Allan, James and Gilmour, Brian, (2000). Persian Steel: The Tanavoli Collection. For the Board of the Faculty of Oriental Studies University of Oxford and the British.

Allan, James (2002). The Art of Steelmaking in Iran, translated by Parviz Tanavoli. Tehran: Yasavoli.

Cirlot, Juan Eduardo (2013). A dictionary of symbols, translated by Mehrangiz Ouhadi, second edition. Tehran: Dastan.

Bailey, Kenneth D. (2013). Typologies & Taxonomies: An Introduction to Classification Techniques Tehran: Cultural Research Bureau.

Chevalier, Jean and Gerbran, Alain. (2008). Dictionary of symbols. Translated by Sudaba Fazayeli. Tehran: Jihoon.

Cooper, Jean. C. (2012). Dictionary of ritual symbols. Translated by Ruqiyeh Behzadi. Tehran: Nashre Elmi.

Canby, Sheila R, (2009). Shah Abbas: The Remaking of Iran. The British Museum Press, London

Ehsani, Mohammad Taqi (1989). Seven thousand years of metalworking art in Iran. Tehran: Scientific and cultural publications.

Glock, Jay and Glock, Third Hiramoto. (1976). A look at Iranian handicrafts. Translated by Yahya Zaka and Reza Alavi. Tehran: National Bank Publications.

Ibn Abbasi, Idris and Muqtada'i, Ali Asghar (2013). Handicrafts and its evolution in Iran, second edition. Tehran: Jamal Honar.

Mehrizi, Mehdi. (1388). Ashura movement and mourning culture. Tehran: Research and

Development of Human Sciences.

Memarian, Gholamhossein and Tabarsa, Mohammad Ali. (2012). Type and typology of architecture. The scientific-research journal of the Scientific Association of Architecture and Urban Planning of Iran, number 6, fall and winter 2013, 103-114.

Khazaei, Mohammad (2007). The symbolic role of the peacock in the decorative arts of Iran. Book of the Month of Art, pp. 111 and 112, December and December 2007, 6-12.

Mirzaei, Davood (2012). Hasrat Bagh - Mina's wish, in Iranian abstract art; relying on Ashura Alams. Kimiaye Honar, Vol. 2, Volume 1, 108 - 87.

Mohammadzadeh, Mehdi and Salahi, Golnaz. (2013). Thematic study of arrays and motifs in Qajar era steel objects. Jelveh Honar, Vol. 9, spring and summer 2013, 76-63.

Moin, Mohammad (1963). The Persian dictionary, Volume One. Tehran: Amirkabir.

Museum of Contemporary Art. (2005). Masterpieces of Iranian painting. Tehran: Tehran Museum of Contemporary Art Publications.

Norton, Peter B, (1994). The New Encyclopedia Britannica. Chicago: Encyclopedia Britannica, Inc. Volume 12.

Shaghghi, Pejman (2005). The body of the gods. Tehran: ghasidehsara.

Shoaa, Asghar et al. (2014). Muharram and Safar in the culture of the Iranian people. Tehran: Radio and Television Research Center of the Islamic Republic of Iran.

Thompson, Jon and R. Canby, Sheila, (2004). Hunt for Paradise: Court Arts of Safavid Iran, 1501 – 1576 Published by Milan: Skira; London: Thames and Hudson.

Seyyed Sadr, Seyyed Abulqasem. (2007). Encyclopaedia of arts and crafts and related arts. Tehran: Simaye Danesh.

Yarshater, Ehsan, (1999). Encyclopedia Iranica. Rutledge & kegan paul. London, Boston, Melbourne and Henley. Volume 1.

Zakavati Qaragazloo, Alireza. (2001). The effect of Sufism on mourning rituals. Book of the month of art, pp. 39 and 40, December and December 2001, 17-14.

Zamani Saadabadi, Masoumeh and Shamili, Farnoosh (2020). Morphological comparative study of glass straits of Iran and Egypt in the 3rd-6th centuries AH. Rahpooyeh Honar, Vol. 3, Volume 3. Fall 1399, 36-25.

Qasemi, Mohammad Ali (2015). Illustrated murder Alams, research on Alam and its background. Qom: Toubayemohabat.

Warner, Rex (2007). Encyclopedia of World Mythology, translated by Abolghasem Esmailpour. Tehran: Myth.

Yavari, Hossein and Erfani, Fatemeh. (2013). Iranian traditional arts at a glance. Tehran: Azar Publications.

URL1: <https://www.christies.com/en/lot/lot-5421971> (access date: 2022/06/26)

URL2: <https://www.davidmus.dk/en/collections/islamic/dynasties/safavids/art/32-2001> (access date: 2022/06/26)

URL3: www.researchgat.net (access date: 2021/09/16)

URL4: <https://www.christies.com/en/lot/lot-4272389> (access date: 2022/06/26)

URL5: <https://www.bmimages.com/preview.asp/image01440584001> (access date: 2022/06/26)

URL6: www.sothebys.com (access date: 2021/09/16)

URL7: <https://www.proantic.com/en/display.phpid/771485/> (access date: 2021/09/27)

URL8: <http://barakatgallery.com/store/index.cfm/FuseAction/ItemDetails> (access date: 2021/10/14)

URL9: <https://www.christies.com/en/lot/lot-5780281> (access date: 2022/06/26)



URL10: <https://www.bidsquare.com/online-auctions/artemis-gallery/17th-c-persian-safavid-brass-kashkul-w-engraving> (access date: 2022/11/08)

URL11: <https://www.agakhanmuseum.org/collection/artifact/beggars-bowl-kashkul> (access date: 2022/11/08)

URL12: <https://www.christies.com/en/lot/lot-5825800> (access date: 2021/09/27)

URL13: <http://barakatgallery.com/store/index.cfm/FuseAction/ItemDetails> (access date: 2021/10/14)

URL14: <https://www.pinterest.com/pin/551761391834216819/> (access date: 2021/09/27)

URL15: <https://www.pinterest.pt/maryamcer/the-bird-of-prey/> (access date: 2021/10/21)

URL16: <https://www.sothebys.com/en/buy/auction/2021/doha-paris-un-decor-princier/two-damascened-steel-birds-persia-qajar-19th> (access date: 2021/10/21)

URL17: <https://www.proantic.com/en/display.phpid/771485/> (access date: 2021/09/27)

